

[کلام محقق اصفهانی در علامیت صحت سلب 1](#_Toc27562462)

[مناقشه استاد در کلام محقق اصفهانی: حقیقی بودن استعمال از حمل شایع نیز کشف می شود 2](#_Toc27562463)

[اشکال مرحوم صدر بر علامیت صحت حمل 3](#_Toc27562464)

[پاسخ به اشکال: تفاوت بین تبادر و صحت حمل، تنها در انسباق است. 3](#_Toc27562465)

[نکته: در علامیت صحت حمل اطراد لازم است 4](#_Toc27562466)

**موضوع**: صحت حمل /علائم وضع /وضع

**خلاصه مباحث گذشته:**

بحث در علامیت صحت حمل بود و بیان شد که محقق اصفهانی علامیت حمل اولی را پذیرفتند ولی در علامیت حمل شایع تفصیل داده و تنها در فرضی که ذات موضوع، مشتمل بر حصه ای از محمول باشد کشف حقیقت را ممکن دانستند؛ اما در غیر این مورد، علامیت را نپذیرفتند.

بنابر این تنها در حمل اولی و در حمل کلی بر فرد یا آنچه به حمل کلی بر فرد رجوع کند-مانند حمل جنس بر نوع«الانسان حیوان» یا حمل فصل بر نوع «الانسان ناطق» و یا مانند «الجسم ابیض» که مراد از جسم، بیاض الجسم بود - کشف از حقیقت می­شود.

# کلام محقق اصفهانی در علامیت صحت سلب

صحت سلب، اگر به ملاک حمل شایع و اتحاد وجود باشد -از آنجا که حمل شایع اخص از حمل اولی است ، چرا که اتحاد محمول و موضوع در وجود خارجی، لزوما موجب اتحاد مفهومی نیست- در این صورت صحت سلب، قطعا دلالت بر مجاز دارد، زیرا مرجع سلب حمل شایع، نفی اتحاد وجودی است. لذا صحت سلب حمل شایع، علاوه بر نفی اتحاد در معنا و حقیقت، نفی اتحاد وجودی و تصادق خارجی بین موضوع و محمول نیز می کند پس در موردی که سلب حمل شایع، صحیح باشد، حقیقی بودن معنا ممکن نیست. یعنی نه تنها مفهوم محمول و موضوع متفاوت است بلکه حتی در وجود خارجی نیز تصادقی ندارند و در وجود واحد نیز محقق نشده اند.

اما مواردی از صحت سلبی که در قبال اندراج محمول در موضوع است مثل«الانسان حیوان ناطق» دلالت بر مجازیت ندارد؛ مثلا این کلام صحیح است که: «انسان حیوان ناطق نیست؛ چرا که انسان مفهوم اجمالی و مندمج است -برخلاف « الانسان بشر»- و انسان عین مفهوم تفصیلی حیوان ناطق نیست پس انسان و حیوان ناطق ؛ هر چند که مفهوم واحدی دارند اما تفاوت اعتباری به اجمال و تفصیل دارند پس می توان گفت: «انسان حیوان ناطق نیست.».

در حالی که واضح است که استعمال انسان بر حیوان ناطق حقیقی است و صحت سلب در این گونه موارد، دلالت بر مجازیت ندارد، به همین جهت در قضیه «الجزئی لیس بجزئی» نیز هر چند که کلام صحیحی است چرا که مفهوم جزئی، کلی و صادق بر کثیر است و لذا سلب جزئی ازآن به حمل شایع، جائز است؛ اما اینگونه صحت سلب دلالت بر مجاز بودن استعمال جزئی در جزئی ندارد.

نکته: مراد از اینکه صحت سلب علامت بر مجاز است این است که اگر صحت استعمال مفروض باشد، استعمال مجازی است و اگر صحت استعمال مفروض نباشد، گاهی صحت سلب در موردی است که استعمال غلط بوده مثل «انسان سنگ نیست» که استعمال سنگ در انسان غلط است.[[1]](#footnote-1)

## مناقشه استاد در کلام محقق اصفهانی: حقیقی بودن استعمال از حمل شایع نیز کشف می شود

محقق اصفهانی فرمودند: اگر حمل شایع به ملاک حمل کلی بر فرد نباشد و ذات موضوع مشتمل بر حصه ای از محمول نباشد، کشف از حقیقت نمی کند و با مجاز نیز سازگار است.

اما اشکال این است که فرقی بین حمل کلی بر فرد با دیگر موارد حمل شایع نیست؛ زیرا انسان و زید تطابق مفهومی ندارند بلکه صرفا تطابق مصداقی دارند؛ اما حمل انسان بر زید دلیل بر حقیقت است، پس همین طور در هر موردی که تطابق وجودی باشد، کشف از حقیقت می شود.

به عبارتی دیگر مرحوم اصفهانی در مواردی که انطباق مفهومی نبود و صرفا تطابق مصداقی در حمل کلی برفرد بود، کشف از حقیقت را پذیرفتند اما در غیر آن علامیت را نپذیرفتند. در پاسخ به ایشان میگوییم: بنابر این مصحح حمل شایع، اتحاد وجودی است، و اینکه ذات موضوع مشتمل بر حصه ای از محمول باشد، اهمیتی در کشف حقیقت ندارد و اتحاد وجودی کافی است پس حمل انسان بر ضاحک -به اعتبار اتحاد وجودی- می تواند استعمال حقیقی باشد، لذا می توان در امتثال امر به «عتق ضاحک» انسان را عتق نمود چرا که وجودا متحد با ضاحک است؛ و هرچند که معنای انسان روشن نشده است اما تطابق وجودی انسان و ضاحک برای استعمال حقیقی کافی است. بنابر این تصادق در وجود، هم مصحح استعمال است و هم علامت حقیقی بودن استعمال است؛ زیرا هر انسانی حقیقتا ضاحک است.

بله همان گونه که مرحوم آخوند فرمودند، از حمل شایع، کشف حد معنا نمی شود و در مثال «الناطق ضاحک» مفهوم نطق اتحاد مفهومی با ضحک ندارد. در نتیجه حمل شایع صرفا کشف از استعمال، حقیقی می کند که بین موضوع و محمول، تصادق است؛ در حالی که محقق اصفهانی منکر این مطلب است و استعمال شایع و تصادق در وجود را دلیل بر حقیقی بودن ندانسته و تصادق در وجود را با مجاز نیز سازگار دانسته اند.

# اشکال مرحوم صدر به علامیت صحت حمل

شهید صدر همان اشکال مرحوم خوئی را به بیان دیگری فرموده اند که: صحت حمل در هیچ صورتی، کشف از حقیقت نمی کند؛ زیرا در صحت حمل، معنای لفظ ملحوظ است و لفظ با توجه به معنا و مفهوم ارتکازی، بر معنا حمل می شود، پس صحت حمل تاثیری در علم به معنا ندارد.

به عبارت دیگر در صحت حمل، لفظ محمول، با توجه به مفهوم ارتکازی –نه صرف الفاظ- بر موضوع حمل می شود؛ پس با حمل، معنایی منکشف نمی شود و معنا باید قبل از حمل، روشن باشد.

همین اشکال به تبارد نیز وارد است؛ چرا که در تبادر، معنای ارتکازی به سبب تبادر، تبدیل به معنای تفصیلی می شود. در نتیجه معنای لفظ، معلوم بوده و تبادر نیز تاثیری در علم به وضع ندارد

در پاسخ می گوییم: در تبادر، صرف سماع لفظ، موجب تبادر و التفات به معنا است؛ در حالی که در صحت حمل کشف از حقیقت پس از لحاظ معنا است. زیرا محمول، لفظ مجرد از معنا نیست؛ بلکه لفظ با توجه به معنا، بر موضوع حمل شده است پس معنا، در رتبه سابق بر حمل، روشن بوده است پس نوبت به استعلام حقیقت به سبب حمل نمی رسد.[[2]](#footnote-2)

## پاسخ به اشکال: تفاوت بین تبادر و صحت حمل، تنها در انسباق است.

مرحوم آخوند در پاسخ فرمودند که اختلاف بین معنای اجمالی و ارتکازی با معنای تفصیلی، اشکال را مرتفع می کند، به این بیان که اگر حمل معنای ارتکازی لفظ بر معنای تفصیلی صحیح باشد، کشف از معنای تفصیلی لفظ می شود و حکم به حقیقی بودن حمل می شود.

بنابر این قبل از حمل، معنای تفصیلی روشن نبود و به سبب حمل روشن شد؛ همان گونه که در تبادر نیز قبل از تبادر، معنا به صورت ارتکازی روشن است و به سبب تبادر تفصیلا مشخص می گردد، در صحت حمل، نیز همین گونه است و تنها فرق بین صحت حمل و تبارد، در انسباق و سرعت در تبادر و تأمّل و تطویل در صحت حمل است.

# نکته: در علامیت صحت حمل اطراد لازم است

در علامیت تبادر گفته شد که تبادر، باید از حاق لفظ و بدون قرینه باشد، و برای کشف از اینکه تبادر از حاق لفظ بوده باید تبارد مطرد باشد، یعنی تبادر در استعمالات متعدد و در حالات متعدد باید محقق شود تا احراز شود که تبادر منوط بر قرینه خاصی نبوده است. همین مطلب در علامیت صحت حمل نیز باید ملاحظه شود؛ چرا که برای احراز نفی قرینه و صحت استعمال مطلق، باید حمل را در موارد متعدد و حالات مختلف، لحاظ نمود و اگر در تمام این موارد استعمال صحیح بود، نشان دهنده حقیقی بودن استعمال است.

محقق ایروانی نیز علامیت حمل را انکار نموده اند و ادعا کرده اند: از صحت حمل، تنها معنای ارتکازی کشف می شود و معنای حقیقی کشف نمی شود.

1. [نهایة الدرایه فی شرح الکفایه، محمد حسین اصفهانی، ج1، ص84.](http://lib.eshia.ir/27897/1/84/السلب) [↑](#footnote-ref-1)
2. [بحوث فی علم الأصول، السید محمد باقر الصدر، ج1، ص168.](http://lib.eshia.ir/13064/1/168/الصحیح) [↑](#footnote-ref-2)